

نفوذ مولانا در شبه قاره

چکیده

مولانا، افتخار حوزه زبان فارسی، از شاعران و متفکران بزرگی است که فلسفه خودی و اندیشه‌های تصوف را در قالب شعر به زیباترین وجه به جهانیان عرضه نمود و بسیاری را گرویده خود کرد. حماسه عرفانی او از بسیاری جهات برای عرفا و اهل نظر، بازتاب طنین جوانمردی و اخلاق شهسواری و تاریخی داشته و طی قرن‌ها، بسیار مورد توجه و دقت نظر قرار گرفته است. مولانا اگر چه به شبه قاره نرفت لکن چنان مردم این منطقه با او آشنایی داشته و دارند که گویا فرزند این خاک و بوم بوده و هادی و راهنمای آنان واقع می‌شده است. وی، رابطه روحانی و معنوی با مردم آن دیار داشته، و گرچه امروز در حیات نیست و مزارش در دسترس طالبین وی قرار ندارد هر انسان فهمیده و عاشق حق و حقیقت آن وادی، از عشق و محبت او دم می‌زند و از افکار او دل مردم و بخصوص اهل دانش و خرد می‌تپد. اندیشه مولانا، قبل از نفوذ در عامه مردم، دانشمندان شبه قاره را متأثر کرد و بسیاری از اندیشمندان و صاحبان ذوق، او را مرشد خود خوانده‌اند. در این پژوهش، گوشه‌ای از این تأثیر و تأثرات از شخصیت مولانا و مثنوی شریف، مطالعه می‌شود و برخی از چهره‌های دانش و ادب و عرفان که از او تأثیر گرفته‌اند معرفی می‌شوند.

کلید واژه‌ها: حماسه عرفانی، شرح‌های مثنوی، مولانا رومی، شبه قاره.

مقدمه

آنچه که در این پژوهش آمده است شامل آثار و منابعی است در ارتباط با مولانا که نگارنده تعدادی از آنها را ملاحظه و بررسی کرده و با استناد به منابع رسمی و شفاهی منطقه و تفحص و جستجو در این زمینه، خصوصیات آنها را ذکر کرده است. باشد که در موضوع مولانا پژوهی و خدمت به فرهنگ و ادب پرربار ایران زمین، وظیفه‌ای انجام گرفته باشد. بدون تردید، تأثیر مثنوی و خدمات مولانا در بخشی از جهان که از عوامل مهم پایداری زبان پارسی بوده است به شناخت و معرفی چهره‌های ادبی و عرفانی تأثیرگذار کمک می‌کند و سیر تحولی را از نتیجه خدمات مولانا و مراتب ایران شناسی به ما می‌شناساند؛

بخصوص اینکه میدان تحقیق در این زمینه باز است و تشنگان این وادی، جویای گزارش‌های بیشتر و بیشترند.

تأثیر مولانا و مثنوی او در شبه قاره

اگر ما آن نکاتی که مثنوی را در شبه قاره ارزش و بها داده است، تحقیق و بررسی کنیم به مطالب زیادی پی خواهیم برد. و بعید به نظر می‌رسد بتوان کتابی را از لحاظ تعداد عنوان و مطالب گوناگونی که در کتاب مستطاب مثنوی هست با آن مقایسه کرد. بدون مبالغه، به تعداد شرح‌های مثنوی که به زبان‌های شبه قاره انجام گرفته در هیچ زبانی دیده نمی‌شود. حماسه عرفانی مولوی از بسیاری جهات برای مردم این قاره، بازتاب طنین جوانمردی و مظهر عشق و دلدادگی و مراتب تعلیمی و تربیتی و نگاهی عالمانه و وسیع به حقایق هستی و زندگی داشته و ابیاتی از آن را همواره در سخنان و نوشتار خود به طور مثال می‌آورند.

با اینکه مولانا در طول عمر خویش، سفری به شبه قاره نداشت، مردم این منطقه با شخصیت او بخوبی آشنایی دارند و فیلسوفان و شخصیت‌های انقلابی و سیاسی منطقه که بعداً به آن اشاره خواهیم کرد در راه رسیدن به هدفها و آرمانهای خود تحت تأثیر تعالیم او قرار گرفته‌اند. ملأهای بنگاله، رومی را یک روح بزرگ و چهره تابناک می‌نگرند و از مثنوی که به اعتقادشان با آهنگی آسمانی، خفتگان در عالم و ماندگان حیات نفسانی را به بام هستی فرا می‌خواند الهام می‌گیرند. دکتر ممتاز بیگم چودهری در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر صوفیان ایران در تصوف»، می‌نویسد: «ما مسلمانان شبه قاره، اسلام را بیشتر به دست ایرانیان قبول کردیم و تعالیم مذهب اسلام و تفسیر و مطالب آن را که به زبان عربی بود به زبان فارسی شیرین و جالب صوفیان آموختیم و تأثیری که ایران و ایرانیان به اندیشه و فکر ما دادند محو شدنی نیست»^۱.

بررسیها نشان می‌دهد که شیخ بها الدین زکریا مولتانی از صوفیان بزرگ و معروف شبه قاره در نفوذ و رسوخ تصوف و ترویج افکار مولانا و عرضه اصول اخلاقی مثنوی در شبه قاره تلاش فراوانی کرد. او معاصر رومی بود و خانقاهش در مولتان، تجلیگاه این تأثیر و نفوذ بوده است. زکریا، مریدان زیادی داشت که به منظور تبلیغ، به نقاط هند و بنگال، سفرهای طولانی می‌کردند و اندیشه‌های مرشد خود را که مبتنی بر اندیشه و افکار جلال الدین بود منتشر می‌ساختند. زکریا، سلسله و طریقه سهروردی را که در ایران رایج بود در شبه قاره و بویژه در سرزمین بنگال و پاکستان رایج کرد. از سویی، ورود فخرالدین عراقی همدانی (متوفی ۶۸۸) و اقامت او به مدت یک ربع قرن در مولتان، در نقل و انتقال نفوذ فکری

مولوی و محبوبیت مثنوی معنوی در این منطقه، بسیار مؤثر واقع شده است. شیخ فخرالدین عراقی که تحت تأثیر چشمگیر اندیشه‌های مولانا رومی بود و ارتباط نزدیک با او داشت و در غزل‌های عارفانه از مولانا تقلید می‌کرد در بغداد با شیخ شهاب الدین سهروردی بیعت کرد و بنا به دستور او به هند رفت و در حلقهٔ مریدان شیخ بهاءالدین زکریا درآمد. بهاءالدین در حیات خویش، او را جانشین و خلیفهٔ خود کرد و به سبب اینکه پیروان طریقهٔ سهروردیه و دیگر سلسله‌های تصوف در شبه قاره چون بنیانگذاران آنها، در اندیشه‌های خود با اندیشه‌های رومی پیوسته بودند، افکار رومی را به اقصی نقاط هند و بنگال رواج دادند. از تأثیر سیرهٔ صوفیانهٔ مولانا بر صوفیان این قاره که تاکنون ادامه دارد وجود مراسمی است که در شبه‌ای جمعه یا در سالگرد ارتحال صوفیان برگزار می‌شود. روش ریاضت صوفیان کنونی همان روش و برنامه‌ای است که مولانا در زندگی خود داشته است. به طور مثال همه صوفیان در دوران تهذیب نفس از گذشته تا حال، پیوسته در چله‌ها می‌نشستند (گوشهٔ خلوتی که درویش چندین روز به قصد عبادت و ریاضت، بتنهایی در آن می‌نشیند؛ از امور دنیوی دست می‌کشد؛ و دائم ذکر خدا می‌کند). صوفیان گذشته چون ریاضت‌های طولانی کشیده‌اند از این رو در کنار مزار آنها یا در حومهٔ آن، چلهٔ آنها وجود دارد؛ نظیر چلهٔ لعل شهباز قلندر متوفی ۶۷۳ در سهون، یا چلهٔ عبداللطیف بهتایی در بهت شاه که بسیار معروف و زیارتگاه خلائقند. سلسلهٔ چله، بنابر اطلاعات موجود، از زمان مولانا رواج و شهرت پیدا کرد. آقای کریم زمانی در دفتر اول شرح جامع مثنوی معنوی، ص ۱۹ به نقل از کتاب زندگانی مولانا اثر استاد فروزانفر (ص ۴۴) می‌نویسد: «وقتی سید برهان الدین محقق ترمذی نتوانست به دیدار سلطان العلماء نائل شود رو به مولانا کرد و گفت: تو در شریعت و فتوا جانشین پدر شدی ولی در باطن هم علومی هست که از وی به من رسیده است. این معانی را از من بیاموز تا خلف صدق پدر شوی. به دستور سید، مولانا به ریاضت پرداخت و سه چلهٔ متوالی برآورد. پس از این ریاضت معلوم شد که نغد وجود این انسان، پاک و خالی از غلّ و غش است: متأخرین مولانا همان شیوهٔ ریاضت را اختیار کردند که او در آغاز قرن ششم موجد آن بود.»^۲

علاوه بر چله، مراسم رقص و سماع و ترانه، بارزترین مشخصات مراسم سالگرد ارتحال صوفیان در شبه قاره است. در مراسم سه روزه، هزاران ارادتمند با صدای دف، به وجد می‌آیند و بی اختیار می‌رقصند که این نحو رقصیدن، تصویر کامل رقص مولاناست.^۳

اساساً تصوف در شبه قاره، با چله و سماع و نغمه، همراه است و نفوذ و تأثیر عرفان و مثنوی در خون مردم، آن قدر سرایت کرده که تا هنوز، مثنوی رومی را می‌خوانند و می‌رقصند و محفل سماع برپا می‌کنند و تا این مراسم در خانقاه‌های درویشان می‌گذرد وابستگی آنها را به اثبات می‌رساند. توصیهٔ اقبال

به جوانان آن است که از آثار رومی، هنر رقص روح «اصطلاح عرفانی ویژه اقبال»، را بیاموزند تا شخص خودشناس بر رذایل چیره گردد.

شایان ذکر است که اگرچه کتاب شریف مثنوی به زبانهای عمده شبه قاره ترجمه شده و در دسترس عموم قرار گرفته است لکن به سبب وجود مطالب عمیق و اندیشه‌های بلند فلسفی، عرفانی، اخلاقی در آن و از سویی استفاده از آیات و احادیث و تمثیلات که به نحو گسترده در آن به کار رفته، خواننده عادی را همچون خواص کمتر به خود جلب کرده است. به همین خاطر، دانشمندان، روشنفکران و درویشانی که اهل علم و معرفت بودند یا شاعرانی که به تصوف گرایش داشتند از مثنوی، بیشتر استفاده کردند و از این گنجینه معنوی که نمادی از روحیات مولانا و طرز زندگی او و هدایتگر ایده آل و مرهم روح و بیداری فطرت انسانی بوده بهره‌ها برده‌اند.^۴

از نویسندگان و شاعران صاحب نامی که در شبه قاره بیشتر تحت تأثیر اندیشه و کمالات معنوی مولانا بوده‌اند و اغلب در آثار منظوم خود به تتبع از وی پرداخته و افکار او را در قالبهای گوناگون عرضه کرده‌اند به نحوی که همسانی فکری آنها با مولانا در آثارشان بسیار مشهود است شخصیت‌های زیر را می‌توان نام برد: طالب آملی (متوفی ۱۰۳۶)، غنی کشمیری (متوفی ۱۰۷۷)، کلیم کاشانی (متوفی ۱۰۶۱)، لعل شهباز قلندر (متوفی ۶۷۳)، مخدوم علاءالدین علی احمد صابری کلیری خواهرزاده حضرت فریدالدین گنج شکر (متوفی ۶۹۰)، شرف شاه بوعلی قلندر پانی پتی (متوفی ۶۳۴)، یمین الدوله ابوالحسن امیر خسرو دهلوی (متوفی ۷۲۵)، فخرالدین عراقی (متوفی ۶۸۸)، میرزا عبدالقادر بیدل عظیم آبادی (متوفی ۱۰۵۲)، میر تقی میر (متوفی ۱۲۲۵)، نور جهان بیگم (متوفی ۱۰۵۵)، میرزا محمد رفیع سودا (متوفی ۱۱۹۵)، خواجه میردرد (متوفی ۱۱۹۹)، مولانا شبلی نعمانی (متوفی ۱۳۳۲)، محمد عبدی مشهور به ملا شاه لاهوری (متوفی ۱۰۷۲)، شاه عبدالطیف بهتایی (متوفی ۱۱۶۵) و شاه کریم معروف به سید پدر بزرگ شاه عبدالطیف، عبدالقادر بیدل روهری (متولد ۱۲۳۱)، ابوالمعالی لاهوری (متوفی ۱۰۲۴)، مولوی محمدرضا لاهوری، مولانا اشرف علی تهنوی، ملا عبدالحمید سیالکوتی، نظام الدین سهالوی، سعدالله چنیوتی، اسلم رازی، ملا عبدالعلی محمد بحر العلوم، امدادالله مهاجر مکی و بسیاری دیگر از سخنوران برجسته معاصر نظیر دکتر سید محمد اکرم، محمد یوسف علی چشتی، سیمای اکبر آبادی، نذیر عرش، دکتر خلیفه عبدالحکیم، دکتر افضل اقبال، میر ولی الله و رئیس گوپاموی و دیگران که تعداد آنان بی شمار است و به سبب محدودیت حجم مقاله، مجال نیست که از همه متأثرین از مولانا بیش از این نقل شود و یا شواهد شعری آورده شود. نگارنده، خواننده محترم را به منابع این مقاله، ارجاع می‌دهد.

گر بگویم شرح آن بی حد شود
مثنوی هفتاد من کاغذ شود

از میان این بزرگان، چند سخنور نامدار نظیر ملاشاه، شاه کریم، شاه عبدالطیف، بیدل روهری معروف به فقیر قادربخش و علامه اقبال لاهوری؛ بیش از سایر شخصیتها، تحت تأثیر کلام مولانا بوده‌اند و بر سیاق اندیشه مولانا و متأثر از مثنوی او شعر سروده‌اند. ملاشاه در تاریخ شعر فارسی، نخستین شاعری است که فلسفه و افکار عرفانی را بر آن منوال که مولانا در ایران نظم کرد در لاهور لباس شعر بخشید. موضوعات رباعیات ملاشاه تقریباً شامل موضوعات فلسفه مولانا رومی است. فلسفه و اندیشه «خودی» که جوامع علمی و فرهنگی، اقبال لاهوری را به آن می‌شناسند پیش از اقبال، ملاشاه دریافت و ملاشاه در این اندیشه، دامن پیر رومی را گرفت و تحت تأثیر اندیشه‌های او بود. با مطالعه اشعار ملاشاه، ملاحظه خواهیم کرد که اندیشه اقبال با اندیشه ملاشاه مطابقت دارد و در این میدان، هر دو دامن رومی را گرفته‌اند. دانشمندان، بهتایی را رومی عصر و مجموعه شعر او «شاه جورسالو» را مثنوی معنوی مولانا تلقی می‌کنند، زیرا شاه لطیف بشدت تحت تأثیر مضامین معنوی و ویژگی موسیقایی اشعار مولانا بوده است.^۵ بیدل نیز فراتر از دیگران به مولانا و مثنوی ارادت داشت و مثنوی در سرنامه کار او بود و شرح‌های قابل‌بر آن نگاشت و آثار ارزشمندی چون *مثنوی ریاض الفقیر*، *رموز القادری*، *پنج گنج* و *مثنویهای دلگشا و بحرالنهر* را پدید آورد.^۶

ملاشاه و عبد الطیف هر دو از حلقه صوفیانند و علامه اقبال که بیش از همه تحت تأثیر اندیشه‌های مولانا بوده میان دانشمندان به عنوان صوفی معروف نیست، بلکه جهان، او را به عنوان یک فیلسوف و دانشور قرن چهاردهم هجری می‌شناسد که در فکر و فلسفه تحت نفوذ عمیق افکار مولوی بوده است و بر نگاه مولوی شناسان پس از خود، تأثیری انکارناپذیر گذاشته است. اقبال، خود مکرر اذعان کرده:

شرار جسته‌ای گیر از درونم که من مانند رومی گرم خونم
چو رومی، در حرم دادم اذان من از آن آموختم اسرارجان من

ملاحظه می‌شود که روان پاک مولوی، معراج نامه فکری اقبال را می‌سازد و راهنمای شعر و فلسفه روحانی او می‌شود. در میان صدها شاعر که تقلید از مثنوی کرده‌اند هیچ کس به پایه اقبال به آن نزدیک نشده است. پیروی اقبال به مولانا از لحاظ تتبع اشعار، استفاده وزن و قوافی و دیگر خصایص شعری، در مثنویهایش چون *اسرار خودی*، *رموز بیخودی*، *بندگی نامه*، *جاویدنامه* و *مسافر*، به اعجاز می‌ماند و بی‌جهت نیست که اقبال حدود دویست میلیون جمعیت مسلمان را با الهام از اندیشه مولانا، منقلب کرد و در آنها انقلاب فکری پدید آورد و در نتیجه آن، نهضت آزادی بخش از سوی مسلمانان شبه قاره شکل گرفت.

ترجمه‌ها و شرح‌های مثنوی

مثنوی مولوی از قرن نهم هجری جزو مواد درسی در شبه قاره تعیین شد و از این زمان به نوشتن شرح‌هایی در دوایر آموزشی احساس گردید و بجز در شبه قاره، در ماوراءالنهر، فلات ایران و غرب آسیا، شرح‌هایی به زبانهای عربی، ترکی و فارسی نگاشته شد و حاجی خلیفه در *کشف‌الظنون*، به آن اشاره کرده است. در شبه قاره، مثنوی مولانا از دو جنبه مورد توجه بود: یکی جنبه آموزشی و ادبی که از نظر درسی و مطالعات آموزشی مورد علاقه عمیق مردم قرار داشت؛ دوم جنبه فکری که از لحاظ مولوی شناسی در ارتباط با افکار ابن عربی و غزالی و موضوع شریعت و طریقت در سلسله‌های تصوف مورد مطالعه قرار می‌گرفت و تفسیر و شرح‌هایی را می‌طلبید. قرائن و شواهد نشان می‌دهد که پیش از آغاز صنعت چاپ، صدها نسخ خطی مثنوی در کتابخانه‌های سلطنتی، عمومی، مدارس و مؤسسه‌های علمی شبه قاره، مورد استفاده بوده است و از قرن سیزدهم هجری به این طرف بارها در مطبع منشی نولکشور که خود شاعر، صاحب ذوق و از خادمان ارجمند تقویت و گسترش زبان فارسی و مروج مثنوی بود و همچنین در سایر مطبعها که تعدادشان به دهها می‌رسد به چاپ رسیده است؛ نظیر:

۱. مطبع محمدی در دهلی که مثنوی را بکرات در سالهای ۱۲۶۳، ۱۲۷۳، ۱۳۲۱ و ۱۳۳۱ هجری به چاپ رسانده است؛
۲. مطبع نامی کانپور هند که آن نیز بکرات به طبع مثنوی پرداخته است؛
۳. مطبع مفید عام در لاهور؛
۴. مطبع مجیدی در کانپور هند؛
۵. مطبع نیچ کمار در لکهنو هند؛
۶. مطبع محمدنور الاسلام.

مثنوی مولانا همچنین به همت مولوی شناسان متعددی در زبان اردو به نظم و به نثر ترجمه و چاپ شده است:

ترجمه‌ها عبارتند از:

۱. ترجمه قاضی سجاد از دفتر ششم که میان سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۸ میلادی در دهلی چاپ شد. ۲.
- مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان نیز، دوره کامل آن را تا مارس ۱۹۷۹ میلادی منتشر کرده است؛

۳. *الهام منظوم* توسط سیماب اکبر آبادی، چاپ لاهور؛

۴. باغ/رم از منشی مستغان علی، چاپ بمبئی؛
 ۵. عقده‌گوهر، ترجمه حکایات منتخب مثنوی از پیرزاده محمد حسین عارف با تقریظ علامه محمد اقبال که در سال ۱۳۲۰ هجری چاپ گردیده است؛
 ۶. پیراهن یوسفی از مولوی یوسف علی نظامی گلشن آبادی، ترجمه کامل و ارزشمندی از مثنوی به صورت شش جلدی و یک جلدی با تقریظ و تصحیح سید جلال صاحب اندرایی.
 ترجمه‌های مثنور متعددی نیز از مثنوی مولانا به شرح زیر انجام گرفته و بیشتر آنها به چاپ رسیده است:

۱. بوستان معرفت، شرح شش دفتر از عبدالمجیدخان؛ ۲. کتاب/رقوم از عبدالرحمان راسخ؛ ۳. کشف العلوم از مولوی محمد ابراهیم؛ ۴. کلید مثنوی از مولانا اشرف علی تهنانوی؛ ۵. مفتاح العلوم از محمد نذیر عرش؛ ۶. انوارالعلوم (مثنوی مولانا رومی)، جدیدترین ترجمه ای که از شش دفتر مثنوی به زبان اردو انجام گرفته است. متنی روان و ساده دارد و مترجم آن محمد عالم امیری، در ترجمه لغات عربی، مفهوم عبارات را ذکر کرده تا ترجمه ای ساده و روان به دست داده باشد. این ترجمه توسط خانه فرهنگ ایران در لاهور منتشر شده است.

شرح‌های متعددی نیز از مثنوی معنوی در قرن یازدهم به شرح زیر انجام گرفته است:

۱. لطائف المعنوی از عبدالطیف بن عبدالله عباسی؛ ۲. مکاشفات رضوی از مولوی محمدرضا لاهوری؛ ۳. شرح نورالله احراری؛ ۴. شرح شاه عبدالفتاح؛ ۵. شرح مثنوی از ابوالمعالی لاهوری؛ ۶. شرح مثنوی از مولوی ولی محمد اکبرآبادی با نقدی بر تفاسیر قدیمی تر که بعدها از مآخذ رینولد نیکلسون قرار می‌گیرد؛ ۷. نسخه خطی از شرح مثنوی در کتابخانه مذهبی محله جنگی پیشاور از محمد یوسف بن عبدالله.

در قرن دوازدهم هجری نیز شرح‌هایی حائز اهمیت به نگارش در آمد به این شرح:

۱. المعنی از محمد عابد؛ ۲. اسرار مثنوی و انوار معنوی از عبدالله خویشگی قصوری؛ ۳. حل مثنوی از شاه محمد افضل الله آبادی معروف به ثابت؛ ۴. شرح مثنوی معنوی از شکرالله خان خاکسارخوافی؛ ۵. شرح مثنوی از خواجه ایوب پارسا؛ ۶. شرح مثنوی از بهلول کول ابن میرزا خان البرکی؛ ۷. مخزن الاسرار از ولی محمد اکبرآبادی؛ ۸. حیات المعانی از ملاجیون سیالکوتی؛ ۹. تفسیر جامع مثنوی از خواجه ایوب پارسای لاهوری. در همین قرن، محمد کامل کشمیری در تتبع از مثنوی مولانا، مثنوی بحرالعرفان حاوی شصت هزار بیت سرود و «بهوپت رای بیراگی» متخلص به بیغم، قصص فقرای هند را تألیف کرد.

در قرن سیزدهم مبسوطترین شرح مثنوی را ملا عبدالعلی محمد بحر العلوم نوشت. او فرزند ملا نظام الدین مرتب کننده درس نظامی بود. هنگام تدوین شرح کم نظیر خود، به شرحهایی توجه داشت که در گذشته متداول بوده و در نتیجه، مطالب دقیق عرفانی را عنوان کرده است.^۷ عبدالقادر بیدل روهری نیز در سال ۱۲۶۴ هجری، کتابی با عنوان «مثنوی بحرالنهر» در شرح مثنوی و طرز آن تألیف کرد و آن را خلاصه‌ای از مثنوی مولانا نام گذارد. او در اثر دیگری با عنوان مثنوی دلگشا، ابیاتی از مثنوی و دیوان حافظ را به نظم شرح داد و در کتاب دیگرش پنج گنج در بخش سوم نیز با عنوان «تعیّن ثالث به ترقیم ابیات فیض مثنوی معنوی معلی»، به شرحی در اهمیت مثنوی مولانا پرداخته است.

در ربع اول قرن چهاردهم هجری، مولانا شبلی نعمانی، سوانح مولانای روم را نوشت. این سوانح و نیز توجه عمیق و گسترده به افکار مولانا در شعر اقبال، در مولوی شناسی و محبوبیت مثنوی در شبه قاره نقش مؤثری ایفا کرد. همچنین، قاضی تلمذ حسین، انتخابی از مطالب مثنوی را به نام *مرآة المثنوی* در ۱۳۵۲ هجری چاپ و منتشر کرد. حاجی امدادالله مهاجر مکی نیز به انتشار مثنوی با حواشی پرداخت. دو دفتر را با تحشیه خود به چاپ رساند و بقیه دفاتر را پس از درگذشتش در ۱۳۱۷ هجری، مولانا احمد حسن از مریدان وی منتشر کرد.

ترجمه‌های منظوم مثنوی به زبانهای پنجابی، سندی و پشتو

۱. در زبان پنجابی، ترجمه‌هایی منظوم از مثنوی توسط تعدادی سخنور انجام گرفته که صورت دستنویس دارد و در فهرستهای موجود، مشخصات آنها روشن نیست. از میان ترجمه‌ها آنچه چاپ شده ترجمه‌ای است منظوم به پنجابی که مترجم آن نامعلوم است و دیگر ترجمه‌ای است منظوم از مولوی شاه محمد دین قادری سیالکوتی.

۲. علمی خزانو، منظوم مثنوی به زبان سندی اثر غلام محمد شاهوانی (متوفی ۱۹۵۰) این کتاب، شامل منتخبی از حکایات مثنوی است که چند نوبت در زمان حیات مؤلف توسط او و نیز مؤسسه آرام. احمد و برادران به طبع رسیده است و آخرین بار توسط سندی آکادمی - کراچی در سالهای ۱۹۹۲ و ۲۰۰۳ تجدید چاپ شده است.

۳. اشرف العلوم ترجمه‌ای کامل از مثنوی در سندی اثر مولانا دین محمد فیروز شاهی (متوفی ۱۳۹۳هـ).

این ترجمه در ۶ جلد نظام یافته است. جلد اول شامل ربع دفتر اول مثنوی در سال ۱۳۶۰ هجری و مکمل آن در یک مجلد در ۱۹۵۱ میلادی توسط مؤسسه آرام، احمد و برادران در حیدرآباد به طبع رسیده است. همین مؤسسه، دفتر دوم را در سال ۱۳۷۱/۱۹۵۱ ه و دفتر سوم را در سال ۱۹۵۳ و دفتر چهارم را در سال ۱۹۵۵ و دفتر پنجم را در سال ۱۹۵۸ و دفتر ششم را در سال ۱۳۷۵/۱۹۵۶ به چاپ رسانده است.

وی جزوه مختصری نیز با عنوان «چهره گشای مثنوی» مشتمل بر ترجمه منظوم از دیباچه مثنوی توأم با شرح، تألیف کرده است.

۴. رومی جون رهائیون، از احمدخان آصف مصرانی. در این کتاب، حکایات مثنوی به زبان سندی ترجمه شده و در سال ۲۰۰۱ توسط سندی آکادمی در کراچی، انتشار یافته است.

۵. ترجمه مثنوی از دین محمد سانونی هالائی. این اثر، ترجمه‌ای است از شش دفتر مثنوی، در این کتاب در اختتامیه هر حکایت، شعری به زبان سندی سروده شاه عبدالطیف بهتایی آورده شده است.^۸

۶. ترجمه مثنوی معنوی از محمد اسماعیل عرسانی: این کتاب ترجمه کاملی است از مثنوی که بخشی از آن در سه شماره از ماهنامه المدینه به زبان سندی از انتشارات مدرسه مدینه العلوم واقع در حیدرآباد، منتشر شده است.

۷. ترجمه منظوم مثنوی معنوی از غلام محمد عرشی سومرو، ترجمه‌ای است دستنویس که مترجم در کتابخانه خود در بهریاشهر از نواحی نوشهر و فیروز نگره‌داری می‌کند. بخش اول ترجمه در ماهنامه نئین زندگی چاپ حیدرآباد در اکتبر ۱۹۸۱ منتشر شده است.

۸. ترجمه مثنوی مولانا روم از مولانا الله بخش سومرو هنگو رجائی. نسخه دستنویس آن، نزد مترجم در کتابخانه محمدی هنگورجا ناحیه خیرپور میرس نگهداری می‌شود و تاکنون به طبع نرسیده است.

۹. ترجمه مثنوی از مولانا عبدالخالق کندیاروی (متوفی ۱۹۴۷ م). دکتر حامد علی خانانی طی مقاله‌ای در ماهنامه نئین زندگی شماره می و جون ۱۹۸۱ میلادی به این ترجمه اشاره کرده است.

۱۰. اولی الامر از سلطان علی فدائی: ترجمه منتخب اشعاری است از مثنوی به زبان سندی. شامل ۳۱۹ بیت.

اشعار درباره امامت و امام است که به سندی ترجمه شده است. این کتاب، نخستین بار توسط سازمان اسماعیلیه - پاکستان منتشر شده است. اولی الامر، به حساب ابجد، ۳۱۹ می‌شود.

۱۱. تشبیهات رومی به سندی از عبدالجبار صدیقی پاتائی. نویسنده معروف خلیفه عبدالحکیم لاهوری. وی نکات صوفیانه از حکایات مثنوی را به طریق استخراج تشبیهات، جمع آوری و به زبان اردو ترجمه

کرده است. این کتاب، به نام *تشبیهات رومی رحمه الله علیه* از سوی ادارهٔ ثقافت اسلامیة لاهور منتشر شده است. همین کتاب را عبدالجبار صدیقی پاتائی به زبان سندی ترجمه کرده است.

۱۲. ترجمهٔ کاملی از مثنوی مولانا تا حال به زبان پشتو، چاپ و منتشر نشده است. لکن نسخه ای دستنویس ترجمهٔ دو دفتر اول مثنوی به نام *اسرار العلوم* از مولانا عبدالجبار بنگش، در کتابخانهٔ آکادمی پشتو در پیشاور موجود است.

ترجمه‌ای منثور نیز از بخشهایی منتخب از مثنوی توسط عبدالاکبرخان اکبر به زبان پشتو به طبع رسیده است.

ترجمه و شرحهای مثنوی به زبان بنگالی

بعد از *قرآن کریم* و حدیث نبوی، مثنوی مولانا جلال الدین رومی معروفترین کتاب میان مردم بنگلادش است و آن را «قرآن فارسی» می نامند. واعظان در سخنرانی از ابیات مثنوی استفاده می کنند. از صدها سال پیش مردم این سرزمین به اشعار مثنوی علاقه مند بوده‌اند و مترجمان مثنوی در این باره خدمات شایانی انجام داده‌اند. بعضی از ترجمه‌های مثنوی به زبان بنگالی به این شرح است:

۱. *مولانا رومی مثنوی شریف* (مثنوی رومی): این کتاب، ترجمهٔ اول از مثنوی است که توسط اظهر علی بختیاری به نظم انجام گرفته و چاپ اول آن در سال ۱۹۲۹ میلادی در کلکته توسط انتشارات محمدمنیرالاسلام منتشر شده است.

۲. *رومی مثنوی* (مثنوی رومی): منیرالدین یوسف، بخشی از مثنوی را ترجمه و به همت محمد نور الاسلام در ۱۹۷۸ میلادی در داکا چاپ کرده و تحلیلی نیز از افکار مولانا ارائه داده است.

۳. *مثنوی شریف*: این کتاب که ترجمه و شرح جلد اول مثنوی است توسط شیخ الحدیث مولانا عزیزالحق در سه جلد انجام گرفته و توسط کتابخانهٔ ارشدیهٔ داکا در سال ۱۴۰۸ ه.ق. چاپ شده است.

۴. *مثنوی رومی*: ترجمه ای از جلد اول مثنوی توسط مولانا عبدالمجید است. این کتاب در چهار جلد توسط کتابخانهٔ امدادیة داکا به سال ۱۹۶۴ و چاپ دوم در فاصلهٔ سالهای ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۹ میلادی چاپ شده است.

۵. *مولانا جلال الدین رومی*: عنوان کتابی دربارهٔ زندگی مولوی و مثنوی اوست که توسط غلام رسول محمد در سال ۱۹۶۴ میلادی تألیف شده است.

۶. ترجمه مثنوی رومی: این کتاب اولین ترجمه کامل مثنوی به زبان بنگالی اثر فضل الکریم است و هنوز چاپ نشده است.

۷. مثنوی رومی: ترجمه منظوم از جلد اول از اکرم حسین قاضی که چاپ جدید آن توسط بنگالا آکادمی داکا در سال ۱۹۷۹م، چاپ شده است.

علاوه بر آن، مولانا منیرالزمان، مولانا محمد عیسی شاهی، نذراالحق، خلیل الرحمن، عبدالستار، محمدریدالدین و مولانا عبدالحق، بخشهایی از مثنوی را ترجمه کرده‌اند. همچنین کتابهای زیادی درباره مثنوی تألیف شده است که به جهت اطالۀ کلام از ذکر آن خودداری می‌شود.^۹

آماري از چاپهای مختلف مثنوی شامل دیوان کامل، انتخابها، شرحها، تفسیرها که مورد استفاده مردم شبه قاره بوده در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج بخش (ج ۳، ص ۱۷۶۴-۱۱۸۵) به تفکیک هر اثر و توضیح مختصر درباره مشخصات آنها می‌توان به دست آورد. در این فهرست، قریب ۱۰۰ نسخه دستنویس و چاپی و ترجمه و شرح و تفسیر از مثنوی معرفی شده است که خود شواهدی است بر نفوذ عمیق مثنوی در یکی از وسیعترین مناطق جهان اسلام و فراوانی نسخه‌های دستنویس و چاپی از آثار مولوی که هم مطالعه می‌گردیده و هم تدریس می‌شده و هم در زندگی مردم تأثیر بسزا داشته است.^{۱۰} قابل ذکر است که در بزرگترین و قدیمترین مرکز راداسوامی واقع در شهر اگریه، روی دیوارهای آن اشعار مولانا کنده و مثنوی در جایگاه مرکزی تالار بزرگ آن از زمان تأسیس به عنوان کتاب متبرکه جا داده شده است و ترجمه ای از مثنوی به زبان هندی همراه ۵۱ صفحه دیباچه حاوی زندگی، آثار و کمالات و ارشادات مولانا برای سالکین غیر فارسی دان تعبیه کرده‌اند. اشعار را نخست به فارسی و به خط ناگری و سپس ترجمه آن را نوشته‌اند.^{۱۱} نوبت او ارگین نویسنده ترکی الاصل مقیم هند نیز، منتخبی از اشعار مولانا را ترجمه کرده و اخیراً در مجلس بزرگداشت هشتصدمین سال تولد مولانا در دانشگاه حیدرآباد هند بیان کرده که بزودی، ترجمه کاملی از دیوان مولانا را در ۲۲ جلد فراهم خواهد کرد. در نظر او، فلسفه مولانا بیش از هر مذهب دیگری به سنت هند نزدیک است.

نتیجه

مولانا از داستانهای کوچک و بازار و از مثل‌های عامیانه، بزرگترین درسهای عارفانه را فراهم کرده و مثنوی معنوی را به دایره المعارف عرفان اسلامی و خود را به عارفی بزرگ و خداوندگار سخن بدل ساخته است. کلام او، یکی از معظّم‌ترین یادگارهای علمی و ادبی و فکری نوع بشر است و اشعارش، زمینه ای برای ورزش فکری و تقویت نیروی معنوی فراهم می‌آورد. بی‌جهت نیست که مردم شبه قاره، از گذشته دور

تاکنون، تحت تأثیر راهنمایی این شخصیت عظیم برای تسکین خاطر و موفقیت‌های آینده خود بهره‌ها گرفته‌اند و تعالیم مولانا را برای تأمین سعادت جهانیان کافی می‌دانند. شاید بتوان گفت که مولوی برای مردم شبه قاره و بخصوص برای خواص، شخصیتی فیلسوف، شاعری توانمند، انقلابی اصلاح طلب و دارای یک بصیرت پیغمبرانه بود که مقتضیات زمان و سرشت انسان را دریافت و با سرودن شادمانه‌ترین و زیباترین اشعار در وادی عرفان و هنر و ایمان و عشق و عقل، بر بلندای مقام علمی و فقهی، وظیفه مهمی به عهده گرفت که نسل‌های پس از خود را تحت تأثیر قرار داد و کلام وی آویزه گوش روزگار گشت. با همه اینها، مثنوی پژوهی همچنان طریقت بسیاری از پژوهشگران معاصر است و بی تردید، شروح متقدم مثنوی بیش از این است که بدان اشاره شد و مطالب ارائه شده در این نوشتار، استقصا و استقرای کامل نیست. برخی از آنها هنوز در زوایای کتابخانه‌های شبه قاره، مثل بسیاری از نسخه‌های دیگر خطی ناشناس مانده‌اند و محققین رویکردی عالمانه به این موضوع دارند.

یادداشتها

۱. تأثیر صوفیان ایران در شبه قاره، ص ۴.
۲. شرح جامع مثنوی معنوی، ص ۱۹.
۳. ترجمه و تفسیر مثنوی معنوی، ص ۵.
۴. کمیسیون فدرال (مرکزی) برای استخدام کارمندان دولتی در سطح عالی پاکستان در امتحانات سالانه خود که در سطح کشور برگزار می کند در رشته غیر الزامی (رشته اختیاری زبان و ادبیات فارسی)، شخصیت مولانا و مثنوی معنوی او را بسیار اهمیت داده و هر سال چندین سؤال در برگه امتحانی درج می کند و کسی را برای خدمت به مردم استخدام می کند که اطلاعاتی درباره مولانا و مفاهیم و معانی بلند انسانی، اخلاقی، تربیتی، فرهنگی و اجتماعی او داشته باشد.
۵. شاه عبدالطیف بهتایی در قرن ۱۲ هجری زندگی می کرد. اشعار این روحانی مقدس و نویسنده و شاعر متفکر که آمیخته ای از نام و شعر مولوی رومی است اثر عظیمی بر فرهنگ و اخلاق مردم سند گذاشته و هر سال میلیونها ارادتمند وی در مراسم سالگرد و ارتحال او شرکت می کنند. اشعار او در دیوانی مشتمل بر هفتصد صفحه به نام گنج نامه چاپ شده و آخرین چاپ آن با ترکیب نفیس در اصفهان، طبع گردیده است.
۶. از آثار دیگر بیدل به فارسی، دیوانهای مصباح الطریقت و منهاج الحقیقت (۱۲۶۵ هجری)، قصه لیلی و مجنون، ظهورنامه، رموز العارفین (۱۲۶۸ هجری) و دیوان جامع اشعار فارسی است.
۷. برصغیر پاک و هندمین مثنوی سی اعتنا، صص ۳۷-۴۷.
۸. نگاه شود به: سه ماهی «الرحیم» سندهی ۱۹۶۶/۳، ص ۵۹.
۹. نگاه شود به: مصنفات محمد برکات الله، ج ۱، ص ۱۹۹ / سخن عشق، ش ۱۹ / تازه های تحقیقات زبان و ادبیات فارسی در جهان، سال ۵، ش ۴.
۱۰. نگاه شود به: فهرست کتابهای فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج بخش، صص ۶۸۱-۷۰۵ / ترجمه های متون فارسی به زبانهای پاکستانی، صص ۳۱۰-۲۱۵ // اهمیت مثنوی مولانا در شبه قاره، صص ۷۷-۸۲.
۱۱. نگاه شود به: ارشادات باباسون سگه، دیباچه.

کتابنامه

۱. *ارشادات بابا سون سنگه*؛ رادا سوامی آشرم، بیاس، پنجاب، ۱۹۹۳، دیباچه.
۲. «اقبال رومی کی زیر اثر»؛ سیدمحمد اکرم؛ لاهور: نشریه اداره اوقاف پنجاب، (تأثیر معنوی ایران در پاکستان)، ص ۱۴۵.
۳. «بر صغیر پاک و هند مین مثنوی سی اعتنا»؛ دکتر اخترراهی؛ مجله فکر و نظر (اردو)، اسلام آباد، ژوئیه ۱۹۷۸م، ص ۳۷-۴۷.
۴. پنج گنج، فقیر قادر بخش بیدل؛ ترجمه اردو؛ دکتر نوازعلی شوق، جامعه کراچی، شاه عبدالطیف بهتایی، ۲۰۰۰م.
۵. «تأثیر صوفیان ایران در تصوف شبه قاره پاکستان و هند»؛ ممتاز بیگم چودھری؛ لاهور: نشریه اداره اوقاف پنجاب. (تأثیر معنوی ایران در پاکستان)، ص ۴.
۶. «ترجمه‌های متون فارسی به زبانهای پاکستانی»؛ نگارش دکتر اختر راهی؛ مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۹۸۶م، صص ۳۱۰-۳۱۵.
۷. *سرمومل رانو؛ هک مطالعو؛ مرتب تاج جوویو؛ بهت شاه، ثقافتی مرکز، ۲۰۰۴م، ص ۳۳۱.*
۸. *سرمومل رانو؛ هک مطالعو؛ بهت شاه؛ ثقافتی مرکز، ۲۰۰۴م، ص ۸، به نقل از سخنرانی دکتر غلام محمد علی الانا در کنفرانس ملی شاه لطیف.*
۹. *سندی شاعری تی فارسی شاعری جواتر؛ عبدالجبار جونجو؛ انستیتوت آف سندالوجی، ۱۹۷۴م، ص ۳۸.*
۱۰. شرح جامع مثنوی؛ کریم زمانی؛ دفتر اول، تهران؛ مؤسسه اطلاعات، ۱۳۷۴.
۱۱. شرح مثنوی معنوی؛ نگارش شاه داعی الله شیرازی؛ به کوشش محمد نظیر رانجه‌ها، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۳. ص ۳ تا ۵.
۱۲. *فارسی غزل اوراس کا ارتقا؛ اردو؛ ظہیر احمد صدیقی؛ لاهور: گورنمنٹ کالج، مجلس تحقیق و تالیف، ص ۳۱۷.*
۱۳. *فهرست کتابهای فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج بخش؛ سید عارف نوشاهی؛ مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۹۸۶م، صص ۶۸۱-۷۰۵.*
۱۴. *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج بخش؛ احمد منزوی؛ ج ۳، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۵۹.*
۱۵. *کشف المحجوب؛ ابوالحسن علی بن عثمان جلالی هجویری؛ با تصحیح ژوکوفسکی، تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۵۸.*
۱۶. *مثنوی معنوی مولانا جلال الدین بلخی معروف به رومی؛ ترجمه، مقدمه و حواشی اردو از قاضی سجاد حسین؛ اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان و مؤسسه انتشارات اسلامی لاهور، بر مبنای چاپ دهلی، ۱۳۹۶ هـ.*
۱۷. *مصنفات محمد برکات الله؛ ویرایش محمد عبدالقیوم؛ داکا: آکادمی بنگلادش، ۱۹۸۹م، ج ۱، ص ۱۹۹.*